

بررسی رابطه‌ی جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه‌ی روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج

دکتر مجید موحد

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز

محمدتقی عباسی شوازی

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز

چکیده

این پژوهش با دو هدف بررسی چه‌گونه‌گی نگرش دختران جوان به دوستی و معاشرت پیش از ازدواج، و همچنین بررسی رابطه‌ی زمینه‌های فرهنگی جامعه‌پذیری با نگرش دختران به دوستی و معاشرت پیش از ازدواج انجام شده‌است. برای این کار، ۳۶۰ نفر از دختران دانش‌جو از دانشگاه‌های شیراز (۲۵۳ نفر) و علوم پزشکی شیراز (۱۰۷ نفر) با میانگین سنی ۲۱/۹ سال به شیوه‌ی پیمایشی بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد که نگرش و سوگیری بیش از نیمی از دختران دانش‌جو (۵۵/۶ درصد) به این گونه دوستی‌ها میانه بوده‌است. تحلیل‌های دومتغیره نشان داد که هم‌بستگی نگرش دختران به روابط پیش از ازدواج، با متغیرهای اولویت‌های ارزشی، باورهای دینی، پایبندی به ارزش‌های دینی، نگرش دوستان، نگرش خانواده، تحصیلات پدر و مادر، دانشگاه محل تحصیل، و برخی ابزارهای رسانه‌ئی، معنادار بوده‌است؛ در حالی که هم‌بستگی آن با زمان حضور در دانشگاه و به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ئی هم‌چون روزنامه و مجله معنادار نبوده‌است. تحلیل چندمتغیره نیز نشان داد که تنها سه متغیر پایبندی به ارزش‌های دینی، نگرش دوستان، و نگرش خانواده، بر روی هم ۶۰/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را کینیپ می‌کند. در این میان، مؤثرترین متغیر، پایبندی به ارزش‌های دینی بوده‌است. به طور کلی، می‌توان گفت اگر چه دگرگونی‌های این گستره از روابط، به سوی ارزش‌های مدرن پیش می‌رود، اما دختران، همچنان گذشته، میان ارزش‌های سنتی و مدرن سرگردان اند.

واژه‌گان کلیدی

دختران؛ جامعه‌پذیری؛ ارزش‌های سنتی و مدرن؛ روابط پیش از ازدواج؛ دگرگونی‌های نگرشی و ارزشی؛

پیش‌گفتار

یکی از چالش‌های بنیادی که جوامع در حال گذار از دوران سنتی به مدرن با آن دست‌به‌گریبان‌اند، چالش سنت‌های کنونی جامعه با ارزش‌های مدرن است. برهم‌نهی و آمیزش باورها و ارزش‌های سنتی با ارزش‌ها و باورهای مدرن آسان نیست. زیرا بنیان‌ها و ارزش‌های مدرن که برخاسته از دیدگاه‌های اندیشه‌مندان دوران روشن‌گری و نگره‌های اندیشه‌گی باختر است و امروزه سازه‌های بنیادی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ و تمدن نو شمرده می‌شود، با بیش‌تر ارزش‌های سنتی کنونی جوامع در حال گذار سازگاری ندارد. از این رو، نمی‌توان هر یک از این دو سامانه‌ی ارزشی را یک‌پارچه طرد کرد، که این کار نه شدنی است و نه خردمندانه. پس آمیزش ارزش‌های سنتی و مدرن از نیازهای زنده‌گی امروز است. هر چند که فرآیند آمیزش ارزش‌ها در دوران گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی مدرن، با ناسازگاری و چندگانگی ارزشی همراه است که می‌تواند پدیدآورنده‌ی چالشی آسیب‌زا در جوامعی هم‌چون ایران باشد.

جامعه‌ی ایران در سال‌های گذشته، هم‌گام با دگرگونی‌های ساختی و فنی و پیوند گسترده با جامعه‌ی جهانی، و هم‌چنین آشنایی با سامانه‌ی ارزش‌های نوین در گستره‌ی جهانی، با دگرگونی‌های مهمی روبه‌رو بوده است. ارزش‌ها و نگرش‌ها درباره‌ی نهاد خانواده، ازدواج، و شیوه‌های همسرگزینی، از زمینه‌هایی بوده‌است که دوجار دگرگونی‌های گسترده‌ئی شده‌است؛ تا جایی که می‌توان گفت که ارزش‌های فرهنگی ایرانیان در حال ساخت و نوزائی است. دگرگونی‌های این گستره از روابط اجتماعی را، بدون نگرش به نقش زنان و دختران، به سان یکی از سازه‌های بسیار مهم در این زمینه، نمی‌توان بررسی کرد. از آن‌جا که ارزش‌ها در جهان امروز و جامعه‌ی ایران جنسیتی شده‌است، چنین می‌نماید که روند دگرگونی‌های ارزشی نیز به سوی اثرپذیری از جنسیت به پیش می‌رود. از این رو، توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های زنان و دختران در گستره‌های گوناگون اجتماعی بسیار مهم شمرده می‌شود. از این گذشته، دگرگونی‌های ساختاری در آموزش و کار زنان، افزایش توان آن‌ها در زمینه‌های خانواده‌گی و اجتماعی، و رشد اندیشه‌های فمینیستی، آن‌ها را به بازنگری در نقش‌ها و هویت‌های سنتی خود و دگرگون‌سازی آن واداشته‌است. آنان خواستار حقوق برابر در همه‌ی زمینه‌های زنده‌گی و جهان اجتماعی‌اند و با پافشاری بر گزینش فردی، آزادی بیش‌تری در گزینش همسر و شیوه‌های همسرگزینی خود جست‌وجو می‌کنند.



روابط آزادانه‌ی دختر و پسر پیش از ازدواج در جامعه‌ی ما پدیده‌ئی است نو که در هیچ دوره‌ئی در کشور ما بدین گسترده‌گی (چه در سطح رفتاری و چه در سطح نگرشی) دیده نشده‌است. چرا که این روابط در فرهنگ، هنجارها، آداب و رسوم، و ارزش‌های جامعه‌ی ایرانی هیچ جایگاهی نداشته‌است. اما در سال‌های گذشته، هم‌راه با افزایش دانش‌آموخته‌گی زنان و حضور گسترده‌ی آنان در گستره‌های مختلط اجتماعی، و همچنین با گسترش چند و چون رسانه‌های گروهی و دگرگونی‌های بنیادی در بستر زمینه‌های فرهنگی، جامعه‌پذیری، پدیده‌ی روابط و معاشرت پیش از ازدواج، از درون روابط بین شخصی جوانان در حال زایش است و یافته‌های پژوهشی نیز این گفته را تأیید می‌کند (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۷۹؛ عبداللهیان، ۱۳۸۳؛ جوکار، ۱۳۸۳؛ احمد نیا و م‌ه‌ریار، ۱۳۸۳؛ ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳).

از آن‌جا که پژوهش‌های اندکی در این زمینه انجام شده‌است و شناخت و دریافتی درست از نگرش جوانان، به‌ویژه دختران، در این باره نداریم، گسترش روزافزون این گونه روابط می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مسائل و دشواری‌ها و ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی شود و هم‌چون مسئله‌ئی اجتماعی بر برخی از نهادهای جامعه اثر گذارد؛ هم‌چنان که افزایش نرخ طلاق، کاهش نرخ ازدواج، و افزایش فرزندان نامشروع، که تا اندازه‌ئی پی‌آمد این گونه روابط پیش از ازدواج است، می‌تواند نهاد ازدواج و خانواده را با چالش‌هایی بنیادی روبه‌رو سازد (دماریس و مک‌دونالد، ۱۹۹۳؛ اسماک، ۲۰۰۰؛ کان و لاندن، ۱۹۹۱؛ هال، ۱۹۹۶؛ تیچ‌من، ۲۰۰۳).

از سوی دیگر، روابط پیش از ازدواج رفتاری و گرهی شخصی در زنده‌گی روزمره‌ی جوانان و دختران نیز هست. آن‌ها امروزه با این چالش روبه‌رو هستند که چه‌گونه باید با جنس مخالف خود روبه‌رو شوند؟ چه‌گونه می‌توانند هزینه‌های چنین معاشرت‌هایی را کمینه سازند؟ به سخن دیگر، جوانان از سویی با هنجارهای مذهبی، اجتماعی، و خانواده‌گی خود روبه‌رو هستند، که برخوردی سخت‌گیرانه درباره‌ی این معاشرت‌ها و دوستی‌ها دارد، و از سوی دیگر با تجربه‌های روزمره، نیازهای ویژه‌ی دوره‌ی جوانی، و ارزش‌ها و نگرش‌های مدرن، که آن‌ها را به چنین روابطی برمی‌انگیزاند. بنابراین، چنین می‌نماید که ناسازگاری این دو دسته از ارزش‌ها، آن‌ها را در دوگانه‌گی میان ارزش‌های سنتی و مدرن سرگردان می‌گذارد و این سردرگمی

1. Demaris, Alfred, and MacDonald, William

2. Smock, Pamela

3. Kahn, John R., and London, Kathryn A.

4. Hall, David R.

5. Teachman, Jay

برای جوانان، به‌ویژه دختران، چالشی بزرگ است که می‌تواند آن‌ها را به بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری و اجتماعی بکشاند. گذشته از آن، هنجارها و ارزش‌های سنتی مردسالارانه و سنجه‌های دوگانه‌ی جامعه، به پسران بیشتر از دختران آزادی می‌بخشد و در این میان، بیش‌ترین آسیب‌های این معاشرت‌ها از آن دختران خواهد بود؛ آسیب‌هایی اجتماعی و روانی که گاه بر زنده‌گی و خانواده‌ی آن‌ها اثر می‌گذارد و گاه آن را از هم می‌پاشد.

ایچ مسئله، ر س ط ح خورد برای افراد و خانواده‌ها، و چه در سطح کلان برای کشور، به مسئله‌ی اجتماعی بدل شده‌است. با توجه به حساسیت‌های این مسئله در جامعه‌ی ما و کم‌بود پژوهش‌های علمی در این زمینه، نیاز به انجام چنین بررسی‌هایی بر کسی پوشیده نیست. شناخت و دریافت نگرش‌ها و ارزش‌های دختران درباره‌ی این مسئله می‌تواند تا اندازه‌ی در پیش‌بینی رفتار آن‌ها در آینده به ما کمک کند و از سوی دیگر می‌تواند آن‌ها را از آسیب‌های روانی، اجتماعی، و بهداشتی‌ئی که تهدیدشان می‌کند آگاه سازد.

از این رو، این پژوهش در پی دستیابی به دو هدف عمده است:

- ۱- بررسی نگرش دختران دانش‌جو به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج؛
- ۲- بررسی رابطه‌ی زمینه‌های فرهنگی جامعه‌پذیری با نگرش دختران به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج.

بنیان‌های نظری پژوهش

جامعه‌پذیری^۱ فرآیندی است که افراد یک جامعه از هنگام تولد تا دم مرگ از آن جدا نیستند و به شیوه‌های گوناگون از آن تأثیر می‌پذیرند. این فرآیند، اثرش را بر هنجارهای فرهنگی جامعه را در قالب الگوهای رفتاری هنجارمند به افراد منتقل می‌کند و بدین سان نسل‌ها را به یک‌دیگر پیوند می‌دهد. افراد از این راه یاد می‌گیرند که چه‌گونه به نیازهای زیستی و اجتماعی خود، به گونه‌ئی که از دیدگاه اجتماعی پذیرفته‌شده‌باشد، پاسخ گویند تا به ارزش‌ها و هنجارها و اهداف فرهنگی آسیبی نرسد. از دیدگاه جامعه‌شناسان، در همه‌ی فرهنگ‌ها، خانواده سازه‌ی بنیادین جامعه‌پذیری در دوران کودکی است. اما با افزایش سن، بسیاری از سازه‌های دیگر همچون نهادهای دینی، گروه همالان و دوستان، بنگاه‌های آموزشی، و رسانه‌های



گروهی نقشی مهم در جامعه‌پذیری افراد می‌باید (گیدنز^۱، ۱۳۸۱: ۱۰۳-۱۰۷). بسیاری از نگره‌پردازان بر این باور اند که انجام این فرآیند برای دو جنس یکسان نیست و مردان و زنان به شیوه‌ئی یکسان جامعه‌پذیر نمی‌شوند. از این رو، اصطلاح «جامعه‌پذیری جنسیتی» را به کار می‌گیرند.

برخی از اندیشه‌مندان، بنیان رفتارها و نگرش‌های زنان را کلیشه‌های جنسیتی و اجتماعی می‌شمارند. کلیشه‌ها یا پنداره‌های قالبی جنسیتی، باورهای فرهنگی جامعه را درباره‌ی آنچه زنان و مردان باید انجام دهند بازتاب می‌دهد. این پنداره‌ها و چشم‌داشت‌ها که ریشه در نقش‌های جنسیتی دارد، از راه نهادهای اجتماعی به افراد القا می‌شود و افراد تلاش می‌کنند در کنش‌ورزی‌های اجتماعی بر پایه‌ی دریافتی که از کلیشه‌ها دارند رفتار کنند. جکسون^۲ بر این باور است که کلیشه‌های اجتماعی انتظاری است که دو جنس بر اساس آن اندیشه، احساس، و رفتار می‌کنند و با پیروی از آن در جایگاه‌های گوناگون، مردانه‌گی و زنانه‌گی خود را آشکار می‌سازند. جامعه با دستورهای نانوشته‌ئی که در خود دارد افراد را وامی‌دارد که چه‌گونه با دیگران و از آن میان جنس مخالف خود رفتار کنند؛ که البته زنان بیش از مردان وادار به انجام این دستورها می‌شوند. یافته‌های برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان و دختران بیش از مردان از کلیشه‌های اجتماعی پیروی می‌کنند (طالبانی و حسن‌علی^۳، ۲۰۰۰؛ ظهروند، ۱۳۸۳).

کلیشه‌های اجتماعی در جامعه‌ی ما دختری را «خوب» می‌داند که از هر گونه ارتباط با جنس مخالف خود که نامحرم باشد بپرهیزد و کسانی که این چشم‌داشت را برنتابند، دخترانی «بد» شمرده می‌شوند. از آن جا که سنجه‌های گزینش همسر برای مردان بیش‌تر از این کلیشه‌ها بر ساخته می‌شود، بنابراین دختران و زنان تلاش می‌کنند هم‌سو با کلیشه‌های اجتماعی رفتار کنند. توجه نگره‌های جنسیتی به چه‌گونه‌گی تداوم نقش‌های جنسیتی است. بیش‌تر پژوهش‌گران، ایده‌ئولوژی‌های جنسی-نقشی را در بازه‌ئی از سنتی تا مدرن نمایش می‌دهند. ایده‌ئولوژی‌های سنتی مردان را بیش‌تر از زنان شایسته‌ی قدرت و پایگاه برتر اجتماعی می‌دانند و به چیره‌گی و کنترل مردان بر زنان و هم‌چنین منابع سیاسی و اقتصادی جامعه مشروعیت می‌بخشند. در برابر، ایده‌ئولوژی‌های مدرن خواهان بازپخش برابرانه‌تر قدرت و پایگاه اجتماعی برای زنان اند (طالبانی و حسن‌علی، ۲۰۰۰: ۶۱۶).

1. Giddens, Anthony

2. Jackson

3. Talbani, Aziz, and Parveen HasanAli

برخی از پژوهش‌گران بر این باور اند که سنج‌های جوامع برای زنان دشوارتر از مردان است. بازتاب روشن این ناهم‌سانی‌ها برای زنان تفاوت‌های جنسیتی خواهد بود. بنابراین، در معاشرت میان دو جنس، گرایش افراد جامعه به این سو است که زنان را بزه‌کارتر بدانند (روستوسکی و دیگران^۱، ۲۰۰۴: ۹۲).

از آن‌جا که جامعه‌پذیری نقشی بسیار مهم در ساخت ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و همچنین سوگیری‌های اجتماعی‌شان درباره‌ی بسیاری از مسائل اجتماعی دارد، در این پژوهش نگره‌ی دگرگونی ارزشی / اینگلهارت^۲ به کار گرفته شده است؛ چرا که در آن هم به جامعه‌پذیری افراد نگریسته شده (به گونه‌ئی که فرض جامعه‌پذیری یکی از فرض‌های بنیادی آن است) و هم به جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی پرداخته شده است. این نگره بر پایه‌ی یافته‌های چهار پیمایش ارزش‌های جهانی^۳ که بیش از ۸۵ درصد از جمعیت سراسر جهان را در بر می‌گیرد، گردآوری و پیاده‌سازی شده است (اینگلهارت و دیگران^۴، ۲۰۰۴: ۱). این نگره، با تأکید بر فهم چه‌گونه‌گی و چرایی دگرگونی‌های فرهنگی و ارزش‌های جوامع، به دنبال دریافت دگرگونی‌های پیرامونی و کلان در نظام جامعه است که دگرگونی‌های فردی را در پی دارد و این دگرگونی‌ها، خود پی‌آمدهایی برای نظام خواهد داشت. بدین سان، با به‌کارگیری این نگره می‌توان دگرگونی‌ها در سوگیری‌های ارزشی در هر سطح رخود و درون افراد جامعه بررسی کرد (یکای و بوسم^۵ افراد) در سطح کلان و میان جوامع دیگر (یکای بررسی جوامع).

اینگلهارت / نگره‌پردازی خویش دو فرضیه‌ی پیش‌بینی‌کننده می‌آورد که دگرگونی ارزش‌ها را روشن می‌سازد:

۱- فرضیه‌ی کم‌یابی^۵ - ارزش‌های بنیادین فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی او است و فرد بالاترین ارزش را به آن‌چه می‌دهد که عرضه‌ی آن برای اش کم است.

۲- فرضیه‌ی جامعه‌پذیری^۶ - ارزش‌های بنیادین فرد بازتاب گسترده‌ی شرایط و فرآیند جامعه‌پذیری وی است که در سال‌های پیش از بلوغ تجربه کرده است و دگرگونی در شرایط پیرامونی نیازمند سازگاری سریع اولویت‌های ارزشی افراد با آن نیست.

1. Rostovsky, Sharon Scales, Wilcox, Brian L., Comer Wright, Margaret Laurie, and Randall, Brandy A.

2. Inglehart, Ronald

3. World Value Survey

4. Inglehart, Ronald, Basañez, Miguel, Diez-Medrano, Jaime, Halman, Loek, and Luijckx, Ruud

5. Scarcity Hypothesis

6. Socialization Hypothesis



بنابراین، در این دیدگاه فرضیه‌ی کم‌پایی به دگرگونی‌های کوتاه‌مدت، و فرضیه‌ی جامعه‌پذیری به آثار بلندمدت نسلی اشاره می‌کند. بر پایه‌ی این دو فرض، اینگلهارت گونه‌ئی سنخ‌شناسی اولویت‌های ارزشی ارائه می‌کند و افراد را در بازه‌ئی از اولویت‌های ارزشی مادی‌گرایانه تا فرامادی‌گرایانه جای می‌دهد. ارزش‌های فرامادی‌گرایانه نشان‌گر گونه‌ئی احساس امنیت ذهنی فرد است و نه تنها سطح توسعه‌ی اقتصادی (پایگاه اجتماعی-اقتصادی) او. احساس امنیت فرد تحت تأثیر زمینه‌ی فرهنگی و رفاه اجتماعی نهادهایی است که او در آن رشد کرده‌است. بنابراین، فرضیه‌ی کم‌پایی باید از سوی فرضیه‌ی جامعه‌پذیری پشتیبانی شود. ساختار بنیادی شخصیت فرد پیش از بلوغ شکل می‌گیرد و پس از آن بسیار کم دگرگون می‌شود. بدین سان، در این فرآیند، آنچه تأثیری ماندگارتر دارد و بهتر می‌تواند نماینده‌ی ارزش‌ها و نگرش‌های افراد باشد فرض جامعه‌پذیری است (اینگلهارت، ۲۰۰۰؛ اینگلهارت، ۱۳۸۳؛ آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳).

اینگلهارت فرامادی‌گرایان را کسانی می‌داند که در دوران ساخت شخصیت‌شان (قبل از بلوغ) امنیت مالی و جانی (امنیت سازنده)^۱ داشته‌اند و گرایش‌های اجتماعی و ارزشی فرامادی‌گرایانه دارند؛ چرا که امنیت مالی و جانی را مسلم می‌شمارند. بنابراین، یک رشته از نیازهای دیگر هم‌چون خودشکوفائی، و عشق و دل‌بسته‌گی، که نیازهای سطح بالا هستند، برای‌شان مطرح می‌شود. این گونه افراد به‌گزینش و استقلال انسانی اهمیت فراوانی می‌دهند و به احتمال قوی تأکیدشان بر دین و هنجارها و ارزش‌های دینی کم‌تر است. در برابر، کسانی که به دلیل نداشتن احساس امنیت سازنده (برآمده از دوران ساخت شخصیت و وضعیت مالی کنونی‌شان) اولویت‌های مادی‌گرا دارند، امنیت مالی و جانی برای‌شان مهم‌تر است و تأکید بیشتری بر ارزش‌ها و هنجارهای دینی دارند. این افراد بر نقش‌ها و هنجارهای جنسیتی تأکید فراوان دارند و برای بالابردن توان پیش‌بینی، از هنجارها و ارزش‌های دینی مطلق پشتیبانی می‌کنند. بدین سان، نگرش مادی‌گرایان و فرامادی‌گرایان در بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی، و هنجارهای سنتی جنسیتی، مانند حقوق زنان، روابط جنسی نامشروع، فحشا، سقط جنین، طلاق و مانند این‌ها متفاوت خواهد بود. به سخن دیگر، می‌توان گفت که بر اساس ره‌یافت نظری اینگلهارت، مادی‌گرایان بسیار بیش‌تر از فرامادی‌گرایان هوادار هنجارهای سنتی و ارزش‌های دینی اند (اینگلهارت و دیگران، ۲۰۰۴: ۱۱؛ اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۲۲۲).

دگرگون شدن ارزش‌ها و نگرش‌ها به سوی ارزش‌های فرامادی‌گرا (کیفیت زنده‌گی و خودشکوفایی) و دومین موج جنبش زنان، دو دگرگونی بنیادی در سوگیری‌های اجتماعی، سیاسی، و رفتاری در سال‌های پایانی سده‌ی بیستم را نشان می‌دهد (به‌ویژه در جوامع توسعه‌یافته). جای پرسش است که دگرگون شدن ارزش‌ها چه پیوندی با جنبش زنان دارد؛ یا به سخن دیگر، وابسته‌گی ارزش‌های فرامادی‌گرا به سوگیری‌های زنان چیست؟ موج دوم فمینیسم ریشه در دگرگونی‌های اجتماعی پس از جنگ جهانی در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ دارد؛ زمانی که نقش‌های بازار کار و تولید زنان به گفتمان سیاست‌گذاری‌های عمومی وارد شد. به طور کلی، خواسته‌های فمینیسم در ملاحظات فزاینده‌ی پس از جنگ، حقوق اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی برابر است، یا آنچه گنز^۱ آن را انقلاب برابری^۲ می‌نامد. این پافشاری فمینیسم بر روی برابری‌خواهی با دگرگونی بنیادی دیگری در جوامع پیش‌رفته‌ی صنعتی هم‌پوشانی دارد و آن پیدایش ارزش‌های فرامادی‌گرایانه است (هایس، مک‌آلیستر و استادلر^۳، ۲۰۰۰:۴۲۵).

نگره‌های دگرگونی ارزش‌ها، برآورده‌شدن نیازهای مادی انسانی (امنیت و بقای بدنی) را مایه‌ی پررنگ‌تر شدن نیازهای اجتماعی (مهر، عزت نفس، و خودشکوفایی) برای افراد می‌دانند. اینگلهارت و دیگر کسانی که نگره‌ی نیازها را پایه‌ی کار خود گذارده‌اند بر این باور اند که پدید آمدن نیازهای فرامادی، پیدایش جنبش‌های نوین اجتماعی را با دیدگاه‌های بشردوستانه و مسائل کیفی زنده‌گی مانند صلح، حقوق بشر، حقوق زنان، و محیط زیست در پی خواهدداشت (همان: ۴۲۶).

البته فمینیسم برای این نگره‌پردازان یک معما است. چرا که این مفهوم هم عناصر مادی را در بر دارد و هم عناصر فرامادی؛ در حالی که بر پایه‌ی این نگره، دل‌بسته‌گی فمینیست‌ها باید تنها فرامادی باشد. برای نمونه، برخی شاخه‌های فمینیسم و فمینیست‌ها در برنامه‌های برابری فرصت‌ها، برابری مادی را برای زنان دنبال می‌کنند. با ناسازگاری‌هایی که میان فمینیسم و فرامادی‌گرایی دیده‌می‌شود، به طور کلی، نمی‌توان پیش‌رفت هر یک از این دو را به‌تمامی وابسته به دیگری دانست؛ اما با همه‌ی آنچه که ارزش‌های فرامادی‌گرا را به فمینیسم پیوند می‌دهد، می‌توان گفت که ارزش‌های فرامادی‌گرا در ساخت باورهای فمینیستی مؤثر بوده‌است. فرامادی‌گرایان یا کسانی که در نزدیکی ارزش‌های فرامادی جای دارند، به احتمال

1. Gans, Herbert J.

2. The Equality Revolution

3. Hayes, Bernadette C., McAllister, Ian, and Studlar, Donley T.



بسیار اندیشه‌های فمینیستی را تأیید می‌کنند (همان: ۴۳۶). اینگلهارت، از تفاوت‌های زن و مرد در بسیاری از سوگیری‌های اجتماعی و سیاسی، با نام شکاف جنسیتی^۱ یاد کرده و آن را دربرگیرنده‌ی همه‌ی تفاوت‌های زنان و مردان در مشارکت، نگرش‌ها، باورها، و دین‌داری می‌داند. از دیدگاه او یکی از ویژه‌گی‌های به‌خوبی اثبات‌شده‌ی زنان محافظه‌کاری است (اینگلهارت و نوریس^۲، ۲۰۰۰: ۴۴۲).

در این پژوهش، با نگرش به دیدگاه اینگلهارت بر فرض جامعه‌پذیری، هم‌بستگی برخی از سازه‌ها یا زمینه‌های فرهنگی جامعه‌پذیری با نگرش دختران به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج بررسی خواهد شد. همچنین، در این پژوهش، بر پایه‌ی گفتارهای اینگلهارت درباره‌ی ارزش‌های سنتی و سکولار-خردگرا، و نیز اقتدارهای سنتی، قانونی، و فردگرایانه، نگرش مثبت به روابط پیش از ازدواج، از یک سو ارزشی مدرن، سلاکو ر و خردمندانه انگاشته‌می‌شود که خود را از چنبره و چیره‌گی دین بیرون آورده است و رویاروی ارزش‌های سنتی می‌ایستد؛ و از سوی دیگر، از آن‌جا که این نگرش، در خود گونه‌ئی اعتراض به ارزش‌های سنتی و دینی-درون جامعه نهفته دارد، ارزشی نو در راستای روی‌کرد دگرگونی‌خواهانه‌ی زنان و دختران در زمینه‌ی روابط بین دو جنس انگاشته‌می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌های این بررسی چنین است:

- ۱- هم‌بستگی اولویت‌های ارزشی مادی/فرامادی با نگرش پاسخ‌گویان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۲- هم‌بستگی میزان باورهای دینی دختران با نگرش‌شان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۳- هم‌بستگی میزان پای‌بندی دختران به ارزش‌های دینی با نگرش‌شان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۴- هم‌بستگی نگرش خانوادگی دختران با نگرش آن‌ها به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۵- هم‌بستگی نگرش دوستان دختران با نگرش آن‌ها به روابط پیش از ازدواج معنادار است.

1. Gender Gap

2. Inglehart, Ronald, and Norris, Pippa

- ۶- هم‌بسته‌گی تحصیلات مادر دختران با نگرش‌شان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۷- هم‌بسته‌گی تحصیلات پدر دختران با نگرش‌شان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۸- هم‌بسته‌گی زمان حضور دختران در دانشگاه با نگرش‌شان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۹- هم‌بسته‌گی میزان به‌کارگیری رسانه‌ها با نگرش پاسخ‌گویان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.
- ۱۰- هم‌بسته‌گی دانشگاه محل تحصیل با نگرش پاسخ‌گویان به روابط پیش از ازدواج معنادار است.

روش‌شناسی پژوهش

برای انجام این پژوهش روش پیمایش به کار گرفته شده و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ی خودپاسخ‌گو بوده‌است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، همه‌ی دانش‌جویان دختر دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی شیراز بود که از آن میان، ۳۶۰ نفر نمونه‌ی آماری با دو روش دستور کوکران و جدول لاین گزیده‌شدند. برای گزینش نمونه‌ها، روش نمونه‌گیری طبقه‌ئی چندگامی به کار رفت تا شمار نمونه‌ها با شمار کل دانش‌جویان دختر هر دانشگاه، دانشکده، و دوره‌ی تحصیلی متناسب باشد و سرانجام، نمونه‌ها به روش اتفاقی گزیده‌شدند.

هم‌چنین، به دلیل کم‌شمار بودن بررسی‌های کشوری در این زمینه، و نیز ناهم‌خوانی پرسش‌نامه‌های به‌کاررفته در پژوهش‌های همانند خارجی با چند و چون فرهنگی جامعه‌ی ما، گویه‌های برخی بخش‌ها (نگرش پاسخ‌گو، نگرش دوستان، نگرش خانواده‌ی پاسخ‌گو، و گستره‌ی ارزش‌های دینی) به روش خودساخته نگاشته و آماده‌شد. برای این کار، پیش از فراهم آوردن پرسش‌نامه، با دانش‌جویانی که درگیر چنین معاشرت‌هایی بودند گفت‌وگوهایی انجام شد و گویه‌هایی نیز از پژوهش‌های خارجی وام‌گیری و بومی‌سازی شد.

روایی^۱ پرسش‌نامه، روایی صوری^۲ بوده‌است و برای اطمینان یافتن از پایایی^۱ بخش‌های آن روش ضریب آلفای کرون‌باخ^۲ به کار رفت. یافته‌های بررسی آغازین با

1. Validity
2. Face Validity



۵۴ نفر از افراد نمونه، نشان داد که ضریب آلفای کرون‌باخ برای نگرش به معاشرت دو جنس (با ۳۲ گویه) ۰٫۹۵، نگرش خانواده (با ۱۰ گویه) ۰٫۸۹، نگرش دوستان (با ۱۰ گویه) ۰٫۸۰، و پای‌بندی به ارزش‌های دینی (با ۱۰ گویه) ۰٫۸۹ بود.

برای تحلیل داده‌ها روش‌های آمار توصیفی (توزیع فراوانی و درصد) و آزمون‌های T، تحلیل واریانس یک‌سویه، و رگرسیون با سطح معناداری ۹۵ درصد برای این آزمون‌ها ($P < ۰/۰۵$) به کار گرفته شد.

در این پژوهش، منظور از روابط پیش از ازدواج، گستره‌ئی از روابط میان دو جنس مخالف پیش از ازدواج است (نامحرم) که با انگیزه‌های گوناگونی هم‌چون هم‌دلی، دوستی، دل‌بستگی، کنش‌های جنسی، و مانند این‌ها پا می‌گیرد و در جامعه‌ی دوستی و معاشرت، هم‌چون قرارهای عاشقانه، دوستی برای ازدواج، دوستی‌های خیابانی، هم‌خانه‌ی و مانند این‌ها دنبال می‌شود.

متغیر وابسته‌ی این پژوهش نگرش به روابط پیش از ازدواج است. یاسپرس^۳ (۱۹۸۷) نگرش را آماده‌گی برای کنش یعنی آماده‌گی برای نوع ویژه‌ای از فعالیت تعریف کرده است. آلپورت^۴ نگرش را «یک حالت ذهنی و عصبی آماده‌گی می‌داند که از طریق تجربه سازمان یافته‌است و یک نفوذ مستقیم یا دینامیک را بر روی پاسخ‌های افراد به همه‌ی اشیا و موقعیت‌هایی که به آن‌ها مرتبط است اعمال می‌کند» (برگرفته از اینس کو^۵، ۱۹۶۷:۲؛ احمدی، ۱۳۸۲:۷۱). نگرش از آن رو مهم شمرده می‌شود که پیش‌درآمد رفتار و رفتار پی‌آمد آن است (کیوی و کامپن‌هود^۶، ۱۳۸۲:۹۱).

در این پژوهش بر پایه‌ی دیدگاه‌های فریدمن^۷ و هم‌کاران‌اش (برگرفته از کریمی، ۱۳۷۸:۲۶۳)، نگرش نظامی مانده‌گار شمرده می‌شود که دربرگیرنده‌ی سه عنصر شناختی^۸، احساسی^۹، و گرایش به کنش^{۱۰} است و با ۳۲ گویه که هر سه سویه‌ی نگرش را پوشش می‌دهد در دامنه‌ی پنج‌گزینه‌ئی لیکرت (کلاً مخالف تا کلاً موافق) سنجیده شده‌است.

1. Reliability

2. Cronbach's Coefficient Alpha

3. Jaspers, Karl Theodor

4. Allport, Gordon Willard

5. Insko, Chester A.

6. Quivy, Raymond, and Campenhoudt, Luc Van

7. Freedman, J. M. F.

8. Cognitive

9. Emotional

10. Tendency to Action

متغیرهای مستقل پژوهش چنین است:

نگرش خانواده- نشان‌دهنده‌ی سوگیری‌ها و دیدگاه‌های مثبت یا منفی افراد خانواده‌ی فرد به روابط پیش از ازدواج است. این متغیر با ۱۰ گویه در دامنه‌ی پنج‌گزینه‌ی لیکرت (۱ کلاً مخالف تا کاملاً موافق) سنجیده شده است.

نگرش دوستان- نشان‌دهنده‌ی سوگیری‌ها و دیدگاه‌های مثبت یا منفی دوستان فرد به روابط پیش از ازدواج است. این متغیر با ۱۰ گویه در دامنه‌ی پنج‌گزینه‌ی لیکرت (۱ کلاً مخالف تا کاملاً موافق) سنجیده شده است.

میزان کاربرد رسانه‌ها- نشان‌دهنده‌ی میزان به‌کارگیری رسانه‌های گروهی همچون رادیو، تله‌ویزیون، ماهواره، اینترنت، روزنامه، مجله، و کتاب است که در دامنه‌ی لیکرت (پنج‌گزینه‌ی از خیلی زیاد تا خیلی کم) سنجیده شده است.

اولویت‌های ارزشی^۱ مادی/فرامادی- برای سنجش این متغیر که پیش‌تر در بخش چارچوب نظری شناخته شد، مقیاس چهارارزشی /ینگل‌هارت به کار رفت که در پیمایش ۱۹۷۰ آمده و در پیمایش‌های پس از آن در کنار مقیاس ۱۲ ارزشی کاربرد فراوانی داشته است.

پای‌بندی به ارزش‌های دینی- ارزش‌ها، به طور کلی، باورهای افراد یا گروه‌های انسانی است درباره‌ی آنچه که شایسته، درخور، خوب، یا بد است و به آن ارج می‌نهند. یکی از این ارزش‌ها، ارزش‌های دینی است (گیدنز، ۱۳۸۱: ۷۸۷). برای سنجش این متغیر، مقیاسی ۱۰ گویه‌ی از ارزش‌ها و هنجارهای دینی (اسلامی) درباره‌ی روابط زن و مرد آورده شد و از پاسخ‌گویان خواسته شد تا میزان پای‌بندی خود را به هر یک از این گویه‌ها در دامنه‌ی پنج‌گزینه‌ی (از خیلی زیاد تا خیلی کم) نشان دهند.

باورهای دینی- یکی از سویه‌های دین‌داری که از انتزاعی‌ترین سویه‌های آن نیز به شمار می‌رود، باورهای دینی است. برای سنجش این متغیر از پاسخ‌گویان خواسته شد تا میزان باور خود را به هر یک از گزینه‌های زیر در دامنه‌ی پنج‌گزینه‌ی (از خیلی زیاد تا خیلی کم) نشان دهند: خدا؛ روز قیامت؛ فرشته‌گان؛ شیطان؛ پیامبران؛ بهشت و جهنم؛ و روح.

یافته‌های توصیفی

در این پژوهش ۳۶۰ نفر از دختران دانشجوی دانشگاه‌های شیراز (۲۵۳ نفر) و علوم پزشکی شیراز (۱۰۷) با میانگین سنی ۲۱/۹ سال و میانگین ۳/۰۹ سال حضور در



دانشگاه بررسی شدند. میانگین تحصیلات مادران آن‌ها ۱۰/۷ سال و پدران آن‌ها ۱۲/۶ سال بوده‌است.

جدول ۱ توزیع فراوانی و درصد اولویت‌های ارزشی مادی/فرامادی دختران را نشان می‌دهد. هم‌چنان که دیده‌می‌شود بر پایه‌ی اولویت‌های ارزشی، ۵۸/۴ درصد از پاسخ‌گویان مادی‌گرا، ۳۶/۸ درصد التقاطی (هم مادی‌گرا و هم فرامادی‌گرا)، و تنها ۴/۸ درصد (۱۷ نفر) فرامادی‌گرا بوده‌اند.

جدول ۱- اولویت‌های ارزشی پاسخ‌گویان

درصد	فراوانی	اولویت‌های ارزشی
۵۸/۴٪	۲۱۰	مادی‌گرا
۳۶/۸٪	۱۳۳	التقاطی
۴/۸٪	۱۷	فرامادی‌گرا
۱۰۰/۰٪	۳۶۰	جمع

درصد پایین دختران فرامادی‌گرا در این پژوهش، با یافته‌های اینگله‌هارت در پیمایش‌های ارزش‌های جهانی هم‌سو است. در همه‌ی پیمایش‌هایی که وی انجام داده، درصد زنان فرامادی‌گرا از مردان کم‌تر بوده‌است. یافته‌های پیمایش ارزش‌های جهانی^۱ در ایران که نخستین بار در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ انجام شد نشان می‌دهد که ۱۱ درصد مردان و ۹ درصد زنان اولویت‌های ارزشی فرامادی‌گرا داشته‌اند؛ در حالی که ۲۵ درصد مردان و ۲۶ درصد زنان مادی‌ابنده و دیگران التقاطی. هم‌چنین، در این پژوهش نیز هم‌چون پژوهش‌های دیگر درصد زنان فرامادی‌گرا بسیار کم بوده‌است (اینگله‌هارت، ۲۰۰۰؛ اینگله‌هارت و دیگران، ۲۰۰۴؛ خالقی‌فر، ۱۳۸۱). از آن‌جا که زنان و دختران در فرآیند جامعه‌پذیری و ساخت شخصیت‌شان (و حتا پس از آن و در درون جامعه) دسترسی کم‌تری به منابع مالی خانواده‌ها و جامعه دارند، امنیت مالی را به لحاظ ذهنی درونی نکرده‌اند. بنابراین، از امنیت مالی کم‌تری نسبت به مردان دارند. از سوی دیگر، شرایط جامعه‌پذیری متفاوت زنان و مردان در طول دوران پیدایش شخصیت‌شان، آن‌ها را محافظه‌کار و پای‌بندتر به ارزش‌ها و هنجارهای سنتی بار می‌آورد. برآیند این عوامل، پیدایش گونه‌ئی شکاف جنسیتی در نگرش‌ها و باورهای زنان و مردان است که باعث می‌شود زنان بیش‌تر دارای اولویت‌های ارزشی مادی‌گرا شوند (اینگله‌هارت و نوریس، ۲۰۰۰). روی هم‌رفته، چنین می‌نماید که امنیت سازنده (امنیت جانی و مالی در سال‌های ساخت شخصیت) در زنان جامعه‌ی ما کم‌تر از

مردان است و از دیدگاه اقتصادی از لایه‌های ضعیف جامعه به شمار می‌روند و بیش‌تر اولویت‌های ارزشی مادی‌گرا را بازتاب می‌دهند.

جدول ۲ میزان پای‌بندی پاسخ‌گویان را به دو متغیر باورها و ارزش‌های دینی نشان می‌دهد. در این پژوهش منظور از باورهای دینی، میزان باور پاسخ‌گویان به خدا، پیامبران، قیامت، بهشت و جهنم، فرشته‌گان، روح، و شیطان بوده‌است. هم‌چنان که دیده می‌شود، تنها ۲/۸ درصد از افراد باورهای دینی کم داشته‌اند؛ ۷/۸ درصد باورهای میانه و ۸۹/۴ درصد باورهای زیاد داشته‌اند. هم‌چنین، پای‌بندی پاسخ‌گویان به ارزش‌های دینی در ۳۰/۸ درصد کم، در ۵۰/۳ درصد میانه، و تنها در ۱۸/۹ درصد زیاد بوده‌است. بررسی دقیق‌تر یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوی پراکنش فراوانی و درصد افراد در بخش ارزش‌های دینی به کلی متفاوت از باورهای دینی آنان است. مقایسه‌ی چه‌گونه‌گی پراکنش افراد نشان می‌دهد که نمره‌های افراد در باورهای دینی بسیار بالا است؛ به گونه‌ئی که ۸۹/۴ درصد آنان باورهای دینی زیادی داشته‌اند و تنها ۲/۸ درصد در باورهایشان کم بوده‌است. بنابراین می‌توان گفت دختران از دیدگاه باورهای دینی در سطحی بالا هستند؛ در حالی که میزان باور و پای‌بندی‌شان به ارزش‌های دینی (مربوط به روابط با جنس مخالف)، بسیار پائین‌تر از باورهای دینی است؛ به گونه‌ئی که پای‌بندی ۳۰/۸ درصد از پاسخ‌گویان به ارزش‌های دینی کم بوده‌است و بیش‌تر آنان (۵۰/۳ درصد) پای‌بندی میانه‌ئی به ارزش‌های دینی داشته‌اند.

جدول ۲- میزان باورهای دینی پاسخ‌گویان و پای‌بندی آنان به ارزش‌های دینی

میزان پای‌بندی	پای‌بندی به ارزش‌های دینی		باورهای دینی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کم	۱۱۱	۳۰/۸٪	۱۰	۲/۸٪
میانه	۱۸۱	۵۰/۳٪	۲۸	۷/۸٪
زیاد	۶۸	۱۸/۹٪	۳۲۲	۸۹/۴٪
جمع	۳۶۰	۱۰۰/۰٪	۳۶۰	۱۰۰/۰٪

این یافته‌ها نشان می‌دهد که دستورها و هنجارهای دینی در میان دانشجویان جایگاهی پذیرفته‌شده ندارد و این گونه ارزش‌ها در دانشگاه‌ها با چالش روبه‌رو است. معنای دیگری که در چه‌گونه‌گی پراکنش افراد بر پایه‌ی پای‌بندی‌شان به ارزش‌های دینی می‌توان یافت این است که بیش‌تر دختران، میان ارزش‌های سنتی و دینی (که داشتن چنین روابطی را نادرست می‌شمارد) و ارزش‌های مدرن (که افراد را به داشتن چنین معاشرت‌هایی برمی‌انگیزاند) سرگردان‌اند؛ با این همه، در زمینه‌ی روابط



بین‌شخصی، گونه‌ئی «گذار ارزشی» از سنتی و دینی به سوی مدرن و سکولار دیده‌می‌شود. پای‌بندی کم به ارزش‌های دینی در زمینه‌ی روابط دو جنس پیش از ازدواج، می‌تواند نماینده‌ی گونه‌ئی ریزش نمادهای گروهی و فرسایش حد و مرزهای اجتماعی، و روند کاهنده‌ی نمادهای اخلاق سنتی در جامعه‌ی ایران باشد که نشان‌دهنده‌ی نیاز به بازسازی گسترده‌ی نظام‌های نهادی باورساز حاکم در جامعه است. بر این اساس، چنین می‌نماید که گونه‌ئی فردگرایی و بازسازی نظام دستورها و ارزش‌های دینی در میان پاسخ‌گویان پدید آمده‌است که برداشت‌های فردی خود را از این دستورها دارند.

یکی از دلایل اینگلهارت برای افول جهان‌بینی‌های سنتی و دینی که در جامعه‌ی ما نیز پذیرفتنی می‌نماید، «هم‌سانی شناختی» است. در این دیدگاه، مردم در پی هم‌سانی درونی اند؛ از این رو، جهان‌بینی آن‌ها با تجربه‌ی روزمره‌شان هم‌سان می‌شود. آن‌چه افراد در تجربه‌ی روزانه‌ی خود با دیگران و در جهان اجتماعی می‌بینند با بسیاری از ذهنیت‌هایشان ناسازگار است، بنابراین برای چیره‌گی بر این دوگانه‌گی، ذهنیت‌ها (ارزش‌ها و هنجارهای سنتی)ی خود را دگرگون می‌سازند (هروو-لژ، ۲۰۰۱؛ اینگلهارت، ۱۳۸۳).

جدول ۳ فراوانی و درصد نگرش خانواده و دوستان و نگرش کلی پاسخ‌گویان را به روابط پیش از ازدواج نشان می‌دهد. چنان که دیده‌می‌شود، از میان همه‌ی خانواده‌ها، ۴۰/۳ درصد نگرش منفی، ۴۳/۱ درصد نگرش میانه، و ۱۶/۷ درصد نگرش مثبت داشته‌اند. در میان دوستان پاسخ‌گویان نیز، ۲۸/۳ درصدشان دارای نگرش منفی، ۶۰/۸ درصد نگرش میانه، و ۱۰/۸ درصد نگرش مثبت داشته‌اند. هم‌چنین نگرش کلی پاسخ‌گویان در ۳۲/۵ درصد منفی، در ۵۵/۶ درصد میانه، و در ۱۱/۹ درصد مثبت بوده‌است.

جدول ۳- نگرش خانواده و دوستان و نگرش کلی پاسخ‌گویان به روابط پیش از ازدواج

سوگیری	نگرش خانواده		نگرش دوستان		نگرش کلی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
منفی	۱۴۵	۱۰۲	۱۱۷	۴۰/۳	۱۱۷	۳۲/۵
میانه	۱۵۵	۲۱۹	۲۰۰	۴۳/۱	۲۰۰	۵۵/۶
مثبت	۶۰	۳۹	۴۳	۱۶/۷	۴۳	۱۱/۹
جمع	۳۶۰	۳۶۰	۳۶۰	۱۰۰/۰	۳۶۰	۱۰۰/۰

در این پژوهش نگرش را دارای سه سویه‌ی شناختی، احساسی، و گرایش به کنش دانسته‌ایم. در این باره، همه‌گی پژوهش‌گران بر آن اند که سویه‌های نگرش در یک ساختار کلی و هم‌آهنگ ساخته و به گونه‌ئی پایدار سازمان‌دهی می‌شود، به گونه‌ئی که داشتن احساس مثبت به یک چیز، با گرایش به کنش و شناخت مثبت آن همراه خواهد بود (احمدی، ۷۳:۱۳۸۲؛ مقدم، ۱۰۱:۱۹۹۸). بعد شناختی نگرش، آن دسته از آگاهی‌ها و شناخت‌هایی از یک پدیده، شیء، یا فرد است که بنیان‌های حکماپی و خردورزی فرد را برای تفسیر و دریافت معنای آن پدیده در اختیار وی می‌گذارد.

جدول ۴ فراوانی و درصد نگرش و سویه‌های سه‌گانه‌ی آن را در میان پاسخ‌گویان نشان می‌دهد. هم‌چنان که دیده‌می‌شود در نگرش شناختی پاسخ‌گویان به چنین معاشرت‌هایی، در ۳۱/۱ درصد منفی، در ۴۸/۶ درصد میانه، و در ۲۰/۳ درصد مثبت بوده‌است.

سویه‌ی احساسی نگرش، نماینده‌ی احساسی است که افراد به چیزی یا کسی دارند و احساس خوش‌آیند، ناخوش‌آیند، مهرآمیز، یا کین‌آمیز را درباره‌ی یک شیء، فرد، یا گروه در فرد پدید می‌آورد. یعنی فرد بر پایه‌ی احساس و نه شناخت خردورزانه‌ی خویش به پدیده‌های پیرامونش واکنش نشان می‌دهد (احمدی، ۷۱:۱۳۸۲-۷۲؛ کریمی، ۲۶۳:۱۳۷۸). هم‌چنان که در **جدول ۴** دیده‌می‌شود، ۳۳/۶ درصد پاسخ‌گویان احساس منفی، ۵۶/۱ درصد احساس میانه، و ۱۰/۳ درصد احساس مثبت به روابط پیش از ازدواج داشته‌اند. احساس میانه را می‌توان این‌گونه انگاشت که احساس آن‌ها درباره‌ی چنین روابطی نه خوش‌آیند است و نه ناخوش‌آیند.

جدول ۴- نگرش پاسخ‌گویان و سویه‌های آن به روابط پیش از ازدواج

سوگیری	شناختی		احساسی		گرایش به کنش		کلی
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
منفی	۱۱۲	٪۳۱/۱	۱۲۱	٪۳۳/۶	۱۵۱	٪۴۱/۹	۱۱۷
میانه	۱۷۵	٪۴۸/۶	۲۰۲	٪۵۶/۱	۱۹۲	٪۵۳/۳	۲۰۰
مثبت	۷۳	٪۲۰/۳	۳۷	٪۱۰/۳	۱۷	٪۴/۷	۴۳
جمع	۳۶۰	٪۱۰۰/۰	۳۶۰	٪۱۰۰/۰	۳۶۰	٪۱۰۰/۰	۳۶۰

گرایش به کنش، یکی از سویه‌های بنیادی نگرش و رفتار یا کنش نزدیک‌تر است. گرایش به کنش می‌تواند بر پایه‌ی پیوندی عاطفی باشد، که چنین رفتار یا



کنشی دارای کم‌ترین پایه‌ی شناختی و هم‌چنین ناپایدارتر است. گرایش به کنش گاه ریشه در شناخت خردمندانه دارد که پایدارتر نیز خواهد بود (احمدی، ۱۳۸۲: ۷۱-۷۲؛ کریمی، ۱۳۷۸: ۲۶۳). هم‌چنان که در جدول ۴ دیده می‌شود، گرایش پاسخ‌گویان به کنش در ۴۱/۹ درصد منفی (یعنی کم‌تر از نیمی از دختران)، در ۵۳/۳ درصد میانه، و تنها در ۴/۷ درصد مثبت بوده‌است.

اگرچه در سطح نظری بر این نکته تأکید می‌شود که سویه‌های نگرش با یک‌دیگر هم‌آهنگ اند، به گونه‌ئی که شناخت و احساس مثبت باید گرایش به کنش مثبت را در پی داشته‌باشد؛ اما آنچه از شیوه‌ی پراکنده‌گی درصدهای سویه‌های نگرش دریافته می‌شود این است که شدت سویه‌ی گرایش به کنش به گونه‌ئی برجسته با دو سویه‌ی احساسی و به‌ویژه شناختی متفاوت است. به گونه‌ئی که نگرش یک‌چهارم دختران در سویه‌ی شناختی و کم‌تر از یک‌دوم آن‌ها در سویه‌ی احساسی به چنین روابطی مثبت بوده‌است، در حالی که در سویه‌ی گرایش به کنش، تنها ۴/۷ درصد دختران، گرایشی مثبت به داشتن چنین معاشرت‌هایی نشان داده‌اند. این پرسش پیش می‌آید که شکاف میان سویه‌های شناختی و احساسی با سویه‌ی گرایش به کنش را چه‌گونه می‌توان تبیین کرد؟ چنین می‌نماید که سویه‌های سه‌گانه‌ی نگرش نماینده‌ی دو سویه‌ی دیگر است: سویه‌ی شخصی و درونی، و سویه‌ی اجتماعی یا بیرونی. سویه‌های شناختی و احساسی نگرش برای دختران، سویه‌ئی شخصی و برآیند تجربه‌ها، دیدگاه‌ها، و حساب‌گری‌های درونی آن‌ها است. آن‌ها می‌توانند در درون خود شناخت و احساسی مثبت به چنین روابطی داشته‌باشند؛ اما هنگام به‌کارگیری و کنش اجتماعی بر پایه‌ی این احساس‌ها و شناخت‌ها، دیگر آن‌ها تنها نیستند و سویه‌ی اجتماعی نگرش خود را نمایان می‌کنند. زیرا جامعه، به سان بستر کنش‌های اجتماعی، افراد را بر پایه‌ی ارزش‌ها، سنت‌ها، و قواعد خود محدود می‌کند و این محدودیت‌های اجتماعی برای زنان و دختران جامعه افزون‌تر از مردان است. هم‌چنین، فراروی از هنجارها، سنجه‌های سخت، و پایش اجتماعی، می‌تواند پی‌آمدهای اجتماعی سنگینی برای دختران داشته‌باشد. از این رو، هر چند نگرش‌های دختران تا اندازه‌ئی هم‌سو با ارزش‌های مدرن (داشتن معاشرت) است، اما محیط اجتماعی در خود ارزش‌های سنتی (نادرستی معاشرت) را می‌پروراند، و این، دختران را میان سنت و مدرنیته سرگردان می‌سازد. باید یادآور شد است که با کاهش پایش اجتماعی، و

همراه با افزایش میزان گم‌نامی در کلان‌شهرها و محیط‌های دانشگاهی، احتمال یافتن چنین معاشرت‌هایی در حدی گسترده‌تر می‌تواند بیش‌تر باشد. روی‌هم‌رفته، بر پایه‌ی گفتارهای نظری، نگرش برآیندی است از این سه سویه که با هم در کنش اند و هیچ یک از آن‌ها به‌تنهایی کامل نیست؛ چرا که هر سویه نماینده‌ی بخشی از این واقعیت است که بدون در نظر گرفتن آن نمی‌توان دآوری واقع‌بینانه‌ی داشت. بنابراین باید نگرش کلی (آمیزه‌ی سویه‌های سه‌گانه) سنجیده‌شود. در این‌جا نگرش کلی پاسخ‌گویان بررسی می‌شود و در بخش آینده نیز متغیر وابسته نگرش کلی خواهد بود که دربرگیرنده‌ی همه‌ی سویه‌های نگرش است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نگرش پاسخ‌گویان به روابط پیش از ازدواج، در ۳۲/۵ درصد منفی، در ۵۵/۶ درصد میانه، و در ۱۱/۹ درصد آنان مثبت بوده‌است. آن‌چه در بررسی این بخش برجسته می‌نماید این است که در کنار یک‌سوم (۳۲/۵ درصد) از افراد که نگرش‌شان به این معاشرت‌ها مثبت بود، نگرش و سوگیری بیش از نیمی از آنان (۵۵/۶ درصد) میانه (نه سنتی و نه مدرن) بوده‌است.

یافته‌های استنباطی

بررسی هم‌بستگی عوامل اجتماعی-فرهنگی با نگرش دانش‌جویان

جدول ۵ یافته‌های تحلیل واریانس نگرش به روابط پیش از ازدواج را با اولویت‌های ارزشی افراد نشان می‌دهد. این اولویت‌ها به سه گروه مادی‌گرا، التقاطی، و فرامادی‌گرا دسته‌بندی شده‌است که به‌ترتیب دارای میانگین‌های ۸۱/۴۶، ۹۱/۰۵، و ۱۰۶/۰۶ در نگرش به روابط بوده‌اند. مقدار ۱۳/۳۰۶ برای F و سطح معناداری ۰/۰۰۰ تفاوت میانگین گروه‌ها را معنادار می‌داند. بنابراین، نخستین فرضیه‌ی پژوهش با سطح اطمینان ۹۹ درصد ($P = 0/000$) تأیید می‌شود. هم‌چنین، آزمون LSD، تفاوت میانگین همه‌ی گروه‌ها را معنادار نشان می‌دهد.

جدول ۵- تحلیل واریانس نگرش به روابط پیش از ازدواج با اولویت‌های ارزشی

اولویت‌های ارزشی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	معناداری Levene	η^2	F	سطح معناداری
مادی‌گرا	۲۱۰	۸۱/۴۶	۲۳/۵۴۳	۰/۹۵۶	۰/۰۷۰	۱۳/۳۰۶	۰/۰۰۰
التقاطی	۱۳۳	۹۱/۰۵	۲۲/۹۵۸				
فرامادی‌گرا	۱۷	۱۰۶/۰۶	۲۳/۱۱۸				



یافته‌ها نشان می‌دهد که هر چه از دختران با اولویت‌های ارزشی مادی به سوی دختران با اولویت‌های ارزشی فرامادی می‌رویم، با افزایش میانگین نمره‌ها، گرایش افراد به داشتن چنین روابطی افزایش می‌یابد. بر پایه‌ی نگره‌ی اینگلهارت کسانی به این ارزش نو گرایش بیشتری نشان می‌دهند که فرامادی‌تراند و مادی‌گرایان باید هم‌سو با ارزش‌های سنتی، در برابر آن سخت‌تر بایستند. یافته‌های این پژوهش نیز با نگره‌ی اینگلهارت و یافته‌های وی هم‌خوان است (اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۲۱۸-۲۴۰).

یافته‌های رگرسیون برای بررسی هم‌بستگی باورهای دینی دختران با نگرش آن‌ها به روابط پیش از ازدواج در جدول ۶ آمده‌است. هم‌چنان که دیده‌می‌شود، این هم‌بستگی در حد میانه است ($R = 0/461$) و متغیر مستقل ۲۱/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند ($R^2 = 0/213$). این واریانس برای کل جامعه آماری نیز ۲۱ درصد است. ضریب β سوی منفی و معکوس رابطه‌ی دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب B به دست‌آمده نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (باورهای دینی) ۱/۷۴۸ واحد از متغیر وابسته (نگرش) کاسته‌می‌شود. مقدار $-9/663$ برای T و سطح معناداری $0/000$ ، این هم‌بستگی را معنادار نشان می‌دهد. بنابراین، دومین فرضیه‌ی پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود ($P < 0/01$). هم‌چنین، مقدار $92/581$ برای F و سطح معناداری $0/000$ این فرضیه را تأیید می‌کند.

جدول ۶- آزمون هم‌بستگی باورهای دینی، پای‌بندی به ارزش‌های دینی، نگرش خانواده، نگرش دوستان، تحصیلات والدین، و مدت حضور در دانشگاه با نگرش پاسخ‌گو به روابط پیش از ازدواج

متغیر	R	R ²	R ² افزوده	خطای استاندارد	B	β	T	F	معناداری
باورهای دینی	۰/۴۶۱	۰/۲۱۳	۰/۲۱۰	۰/۱۷۸	-۱/۷۴۸	-۰/۴۶۱	-۹/۸۳۲	۹۶/۶۶۳	۰/۰۰۰
ارزش‌های دینی	۰/۷۸۳	۰/۶۱۳	۰/۶۱۱	۰/۰۹۰	-۲/۱۳۹	-۰/۷۸۳	-۲۳/۷۹۰	۵۶۵/۹۴۲	۰/۰۰۰
نگرش خانواده	۰/۵۷۵	۰/۳۳۱	۰/۳۲۹	۰/۱۱۹	۱/۵۹۰	۰/۵۷۵	۱۳/۳۱۳	۱۷۷/۲۳۳	۰/۰۰۰
نگرش دوستان	۰/۶۳۲	۰/۴۰۰	۰/۳۹۸	۰/۱۴۵	۲/۲۴۴	۰/۶۳۲	۱۵/۴۴۰	۲۳۸/۴۰۳	۰/۰۰۰
تحصیلات مادر	۰/۲۵۵	۰/۰۶۵	۰/۰۶۲	۰/۲۹۶	۱/۴۳۵	۰/۲۵۵	۴/۸۴۹	۲۳/۵۱۰	۰/۰۰۰
تحصیلات پدر	۰/۲۰۸	۰/۰۴۳	۰/۰۴۰	۰/۲۵۳	۰/۹۹۱	۰/۲۰۸	۳/۹۲۰	۱۵/۳۷۰	۰/۰۰۰
مدت حضور در دانشگاه	۰/۰۴۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۷۸۰	-۰/۶۶۹	-۰/۰۴۵	-۰/۸۵۸	۰/۷۳۳	۰/۳۹۱

آزمون رگرسیون نیز نشان داد که پای‌بندی به ارزش‌های دینی هم‌بسته‌گی بسیار بالایی با نگرش افراد دارد ($R = ۰/۷۸۳$)، به گونه‌ئی که می‌توان گفت پای‌بندی به ارزش‌های دینی ۶۱/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته (نگرش) را در نمونه تبیین می‌کند ($R^2 = ۰/۶۱۳$)، که این واریانس در کل جامعه‌ی آماری دانش‌جویان نیز ۶۱/۱ درصد است. منفی بودن مقدار β نیز نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ئی معکوس و منفی میان پای‌بندی به ارزش‌های دینی و نگرش به روابط است. ضریب B به دست‌آمده نیز نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (پای‌بندی به ارزش‌های دینی) ۲/۱۳۹ واحد از متغیر وابسته (نگرش) کاسته می‌شود. مقدار $-۲۳/۷۹۰$ برای T و سطح معناداری $۰/۰۰۰$ ، این هم‌بسته‌گی را معنادار نشان می‌دهد. بنابراین، سومین فرضیه‌ی پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود ($P < ۰/۰۱$). هم‌چنین، مقدار بالای $۷۵۳/۴۳۵$ برای F و سطح معناداری $۰/۰۰۰$ این فرضیه را تأیید می‌کند.

یافته‌های پژوهش درباره‌ی هم‌بسته‌گی دو متغیر باورها و پای‌بندی به ارزش‌های دینی با نگرش دانش‌جویان به روابط پیش از ازدواج، تأییدکننده‌ی نگره‌ی /اینگله‌هارت درباره‌ی ارزش‌ها است. زیرا نگرش مثبت به روابط پیش از ازدواج، ارزشی سکولار-خردورزانه و در برابر ارزش‌های دینی-سنتی انگاشته می‌شود. پیوند دوسویه‌ی این دو ارزش در بررسی ما، با سوی معکوس رابطه‌ی ارزش‌های دینی با نگرش به روابط دریافته می‌شود. از این گذشته، متغیر باورهای دینی اگر چه هم‌بسته‌ی میانه‌ئی در سوی منفی و معکوس با نگرش دارد، ولی در مقایسه با متغیر پای‌بندی به ارزش‌های دینی از توان تبیین‌گری بسیار کم‌تری برخوردار است. به گونه‌ئی که متغیر پای‌بندی به ارزش‌های دینی ۶۱ درصد از متغیر وابسته (نگرش) را تبیین می‌کند و بسیار تأثیرگذارتر از باورهای مذهبی است. /اینگله‌هارت نیز چنین دریافته‌است که سنت‌های دینی تأثیری مانده‌گار و ژرف در نظام ارزشی جوامع دارد؛ چیزی که وبر^۱ و هانتینگتون^۲ نیز به آن اشاره کرده‌اند (اینگله‌هارت و بیکر^۳، ۲۰۰۱).

بررسی‌های انجام‌شده در این زمینه، تأثیر منفی دین‌داری و پای‌بندی به ارزش‌های دینی را در نگرش به چنین روابطی نشان می‌دهد. درباره‌ی چه‌گونه‌گی تأثیرگذاری دین‌داری و ارزش‌های دینی بر نوع و شیوه‌ی ارتباط با جنس مخالف، برخی از پژوهش‌گران دین‌داری را هم‌چون سازوکاری برای کنترل اجتماعی دانسته‌اند و دیگران نیز آن را وضعیتی درونی شمرده‌اند. هم‌چنین، هر چه دین‌داری افراد

1. Weber, Max

2. Huntington, Samuel Phillips

3. Inglehart, Ronald, and Baker, Wayne E.



بیشتر باشد، احتمال این که روابط جنسی را با جنس مخالف دیرتر آغاز کند افزایش می‌یابد و درگیر شدن افراد در آمیزش جنسی را تا نصف کاهش می‌دهد. دخترانی که گزارش کرده‌اند درگیر روابط جنسی نشده‌اند دلیل آن را ارزش‌های اخلاقی-مذهبی و انگیزه‌ی برای پرهیزگاری دانسته‌اند (روستوسکی و دیگران، ۲۰۰۴؛ مور، دریس‌کول، و لیندبرگ، ۱۹۹۸، هوود و دیگران، ۱۹۹۶).

یافته‌های آمده در **جدول ۶** هم‌چنین نشان می‌دهد که نگرش خانواده هم‌بسته‌گی بالایی با نگرش پاسخ‌گو دارد ($R = 0.575$) و متغیر نگرش خانواده $33/1$ درصد از متغیر وابسته را در نمونه تبیین می‌کند و تنها با کمی کاهش، می‌توان آن را با $32/9$ درصد به کل جامعه‌ی آماری گسترش داد. مثبت بودن ضریب β نشان‌دهنده‌ی هم‌بسته‌گی مستقیم دو متغیر است و ضریب B نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (نگرش خانواده)، $1/590$ واحد به متغیر وابسته (نگرش) افزوده می‌شود. مقدار T برای $13/313$ و F برای $177/233$ و سطح معناداری $0/000$ نشان می‌دهد که هم‌بسته‌گی نگرش خانواده با نگرش دانش‌جو به روابط پیش از ازدواج، با اطمینان 99 درصد معنادار است ($P < 0/01$). بنابراین فرضیه‌ی چهارم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

هم‌چنین، یافته‌ها هم‌بسته‌گی بالای نگرش دوستان را با نگرش به روابط پیش از ازدواج نشان می‌دهد ($R = 0.632$) و این متغیر $40/0$ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین می‌کند، و تنها با $0/2$ درصد کاهش، می‌توان آن را با $39/8$ درصد به کل جامعه‌ی آماری دانش‌جویان گسترش داد. مثبت بودن ضریب β نشان‌دهنده‌ی هم‌بسته‌گی مستقیم دو متغیر است و ضریب B نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (نگرش دوستان)، $2/244$ واحد به متغیر وابسته (نگرش) افزوده می‌شود. مقدار T برای $15/440$ و F برای $238/403$ و سطح معناداری $0/000$ نشان می‌دهد که هم‌بسته‌گی نگرش دوستان با نگرش دانش‌جو به روابط پیش از ازدواج، با اطمینان 99 درصد معنادار است ($P < 0/01$). بنابراین فرضیه‌ی پنجم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که تأثیر نگرش دوستان از نگرش خانواده بیشتر است. زیرا همراه با افزایش سن افراد، نقش گروه هم‌الان و دوستان در جامعه‌پذیری و ساخت ارزش‌ها و نگرش‌های دختران افزایش می‌یابد و از نقش خانواده نیز بیشتر

می‌شود. چرا که دختران دانش‌جو تا اندازه‌ای از خانواده مستقلانند و زمان بیشتری با دوستان خود سپری می‌کنند. به‌ویژه، دخترانی که دور از خانواده و در شهری دیگر تحصیل می‌کنند از آن‌جا که دور از نظام ارزشی خانواده زنده‌گی نمی‌کنند و زمان بیشتری را با دوستان خود می‌گذرانند، از دوستان خود تأثیر بیشتری می‌پذیرند.

آزمون هم‌بستگی هم‌چنین نشان داد که تحصیلات مادر هم‌بستگی میانه‌ای با نگرش پاسخ‌گویان به روابط پیش از ازدواج دارد ($R = 0.255$) و این متغیر ۶/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین می‌کند. مثبت بودن ضریب β نشان‌دهنده‌ی هم‌بستگی مستقیم دو متغیر است و ضریب B نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (تحصیلات مادر)، ۱/۴۳۵ واحد به متغیر وابسته (نگرش) افزوده می‌شود. مقدار T برای ۴/۸۴۹ و F برای ۲۳/۵۱۰ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که هم‌بستگی تحصیلات مادر با نگرش دانش‌جو به روابط پیش از ازدواج، با اطمینان ۹۹ درصد معنادار است ($P < 0.01$). بنابراین فرضیه‌ی ششم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

هم‌چنین بر اساس یافته‌ها، هم‌بستگی تحصیلات پدر با نگرش فرد مثبت و مستقیم است ($R = 0.208$) و این متغیر ۴/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته (نگرش فرد) را در نمونه تبیین می‌کند. مثبت بودن ضریب β نشان‌دهنده‌ی هم‌بستگی مستقیم دو متغیر است و ضریب B نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (تحصیلات پدر)، ۰/۹۹۱ واحد به متغیر وابسته (نگرش) افزوده می‌شود. مقدار T برای ۳/۹۲۰ و F برای ۱۵/۳۷۰ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که هم‌بستگی تحصیلات پدر با نگرش دانش‌جو به روابط پیش از ازدواج، با اطمینان ۹۹ درصد معنادار است ($P < 0.01$). بنابراین فرضیه‌ی هفتم پژوهش نیز تأیید می‌شود. نگاهی گذرا به یافته‌های دو متغیر پیشین نشان می‌دهد که تحصیلات مادر تأثیر بیشتری بر نگرش دختران دارد و این یافته نشان از نقش بسیار کلیدی مادران در جامعه‌پذیری دختران دارد.

مدت حضور در دانشگاه متغیر دیگری بود که هم‌بستگی آن با نگرش دختران با آزمون رگرسیون بررسی و این هم‌بستگی معنادار دیده‌نشد.



بررسی هم‌بستگی ابزارهای رسانه‌ی و رسانه‌های گروهی با نگرش دانش‌جویان

امروزه به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ی بخشی از تجربه‌ی روزانه‌ی افراد شده‌است و کم‌تر کسی را می‌توان یافت که هیچ‌گونه ابزار رسانه‌ی را به کار نگیرد. تأثیر رسانه‌های گروهی بر فرآیند جامعه‌پذیری و ساخت نگرش‌ها، باورها، و ارزش‌های مردم بر کسی پوشیده نیست. زیرا افراد از راه این رسانه‌ها به اطلاعاتی دست می‌یابند که به روش دیگری دست‌یابی به آن شدنی نیست. روزنامه‌ها، کتاب‌ها، رادیو، تله‌ویزیون، فیلم‌ها، آهنگ‌ها و ترانه‌ها، و مجله‌های عمومی، افراد را به آگاهی‌ها و نگرش‌هایی پیوند می‌دهند که نمی‌توان به‌گونه‌ی دیگر به آن‌ها دسترسی داشت (گیدنز، ۱۰۶:۱۳۸۱).

در این پژوهش هم‌بستگی هر یک از ابزارهای رسانه‌ی و رسانه‌های گروهی با نگرش دختران دانش‌جو به روابط پیش از ازدواج بررسی شده‌است که یافته‌های آن در جدول ۷ دیده می‌شود. این رسانه‌ها را با توجه به معنادار بودن یا نبودن و سوی هم‌بستگی آن‌ها با نگرش پاسخ‌گویان، می‌توان به سه گروه دسته‌بندی کرد. نخستین گروه، رسانه‌هایی است که هم‌بستگی معناداری با نگرش دختران به روابط پیش از ازدواج نداشته‌اند که روزنامه‌ها و مجله‌ها را در بر می‌گیرد. گروه دوم، رسانه‌هایی است که هم‌بستگی معنادار و معکوس داشته‌اند و تله‌ویزیون و رادیوهای ایرانی را در خود جای می‌دهد. دسته‌ی سوم، رسانه‌هایی هستند که هم‌بستگی‌شان با نگرش دختران معنادار و مستقیم بوده‌است که ماهواره، رادیوهای خارجی، اینترنت، داستان و رمان، و فیلم (VCD و DVD) را در بر می‌گیرد.

جدول ۷- آزمون هم‌بستگی به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ی و رسانه‌های گروهی با نگرش پاسخ‌گو به روابط پیش از ازدواج

رسانه	R	R ²	R ² افزوده	خطای استاندارد	B	β	T	F	معناداری
تله‌ویزیون	۰/۱۲۸	۰/۰۱۶	۰/۰۱۴	۰/۹۷۵	-۲/۳۸۱	-۰/۱۲۸	-۲/۴۴۳	۰/۹۶۷	۰/۰۱۵
ماهواره	۰/۴۱۰	۰/۱۶۸	۰/۱۶۵	۰/۶۶۵	۵/۶۴۸	-۰/۴۱۰	۸/۴۹۴	۷۲/۱۵۷	۰/۰۰۰
رادیوی ایرانی	۰/۲۷۰	۰/۰۷۳	۰/۰۷۱	۰/۹۸۹	-۵/۲۳۹	-۰/۲۷۰	-۵/۳۱۵	۲۸/۲۵۱	۰/۰۰۰
رادیوی خارجی	۰/۱۹۷	۰/۰۳۹	۰/۰۳۶	۰/۹۰۹	۳/۴۵۵	۰/۱۹۷	۳/۸۰۳	۱۴/۴۶۲	۰/۰۰۰
اینترنت	۰/۲۵۴	۰/۰۶۵	۰/۰۶۲	۰/۸۶۲	۴/۲۸۸	۰/۲۵۴	۴/۹۷۵	۲۴/۷۵۳	۰/۰۰۰
روزنامه‌ها	۰/۰۴۱	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۱	۱/۰۹۱	۰/۸۴۳	-۰/۰۴۱	۰/۷۷۲	۰/۵۹۶	۰/۴۴۰
مجله‌ها	۰/۰۳۰	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	۱/۰۶۸	۰/۶۰۸	۰/۰۳۰	۰/۵۹۶	۰/۳۲۴	۰/۵۷۰
داستان و رمان	۰/۱۵۱	۰/۰۲۳	۰/۰۲۰	۰/۸۶۵	۲/۵۰۸	۰/۱۵۱	۲/۸۹۸	۸/۴۰۰	۰/۰۰۴
فیلم (VCD/DVD)	۰/۲۴۴	۰/۰۵۹	۰/۰۵۷	۱/۰۳۴	۴/۹۱۵	-۰/۲۴۴	۴/۷۵۳	۲۲/۵۹۴	۰/۰۰۰

هم‌بسته‌گی معکوس به‌کارگیری رسانه‌هایی هم‌چون تله‌ویزیون (صدا و سیما) با نگرش دختران، برآمده از محتوای پیام‌هایی است که این رسانه به مخاطبان می‌رساند. چنین می‌نماید که رسانه‌های دولتی ایران بیش‌تر محتوایی ارزشی و دینی دارند و هنجارها و ارزش‌هایی را گسترش می‌دهند که در برابر ارزش‌هایی اند که داشتن چنین روابطی را گسترش می‌دهند. بنابراین، کسانی که بیش‌تر مخاطب این پیام‌ها هستند، نگرش منفی‌تری به این گونه روابط می‌یابند. به گونه‌ئی که بر پایه‌ی مقدار B به‌دست‌آمده، به ازای هر واحد افزایش در کاربرد رادیو و تله‌ویزیون ایران، به‌ترتیب ۵/۲۳۹ واحد و ۲/۳۸۱ واحد از نمره‌ی نگرش آن‌ها کاسته می‌شود.

اما دسته‌ئی دیگر از رسانه‌ها (دسته‌ی سوم) محتوایی کلاً متفاوت از رسانه‌های ایرانی دارند؛ رسانه‌هایی هم‌چون ماهواره، اینترنت، رادیوهای خارجی، و بیش‌تر رمان‌ها و داستان‌ها، و فیلم‌هایی که با ساختار VCD یا DVD در بازار یافته‌می‌شود و بیش‌ترشان از رسانه‌ی ملی پخش نمی‌شود. بر اساس بنیان‌های نظری پژوهش، نگرش مثبت به روابط پیش از ازدواج ارزشی مدرن و غربی دانسته‌شد که این فرضیه با هم‌بسته‌گی منفی پای‌بندی به ارزش‌های دینی با نگرش تأیید شد. در این بخش هم، هم‌بسته‌گی مثبت کاربرد رسانه‌هایی چون ماهواره و اینترنت (که بیش‌تر محتوای ارزشی جوامع مدرن را در خود دارند و به گونه‌ئی فراگیر این ارزش‌ها را تبلیغ می‌کنند) با نگرش مثبت دانش‌جویان، با فرضیه‌ی یادشده هم‌خوانی دارد. از میان همه‌ی رسانه‌ها، ماهواره بالاترین میزان هم‌بسته‌گی را با نگرش دختران داشته‌است ($R = 0/410$)؛ به گونه‌ئی که هر واحد افزایش در میزان به‌کارگیری ماهواره ۵/۶۴۸ واحد به نمره‌ی نگرش پاسخ‌گو افزوده‌است. پس از آن، تأثیرگذاری رسانه‌های اینترنت، فیلم، رادیوی خارجی، و در پایان داستان و رمان بیش‌تر بوده‌است. از میان رسانه‌هایی که درباره‌ی آن‌ها پرسش شد، فیلم و اینترنت در میان پاسخ‌گویان بیش‌ترین کاربری را داشته‌است. چنین می‌نماید که این گونه رسانه‌ها، با توجه به محتوایشان که تا اندازه‌ئی از عرف و ارزش‌های سنتی جامعه ایران دور است و بیش‌تر فرهنگ غربی را گسترش می‌دهد، نقشی بسیار مهم در سست کردن ارزش‌های سنتی و دگرگونی ارزش‌های افراد جامعه داشته‌باشد. با توجه به همه‌ی آن‌چه گفته‌شد به نظر می‌رسد که دانش‌جویان بیش‌تر در معرض دگرگونی نگرش ۱ و ارزش‌ها باشند؛ چرا که زیر تأثیر رسانه‌های جهانی، به‌ویژه آن‌هایی هستند که بیش‌تر فرهنگ جهانی و غربی را گسترش می‌دهند.



برای دریافت این که آیا میانگین نمره‌های دختران دو دانشگاه در نگرش به روابط تفاوتی معنادار با هم دارد یا نه، آزمون T مستقل^۱ به کار گرفته شد. هم‌چنان که در جدول ۸ دیده می‌شود، مقدار ۲/۳۵۶ که برای T به دست آمده، با سطح معناداری $P < ۰/۰۱۹$ نشان می‌دهد که در نگرش به روابط پیش از ازدواج، میانگین نمره‌های دختران در دانشگاه شیراز (۸۸/۲۵) با میانگین نمره‌های دختران در دانشگاه علوم پزشکی (۸۱/۷۷) تفاوتی معنادار با هم دارد. بنابراین فرضیه‌ی دهم پژوهش تأیید می‌شود. برای برآورد اندازه‌ی تأثیر^۲ متغیر دانشگاه محل تحصیل، روش مجذور اتا به کار رفت و مقدار آن که برای این دو گروه ۰/۰۰۲ به دست آمد نشان می‌دهد که تأثیر متغیر دانشگاه محل تحصیل بر نگرش ضعیف است. به سخن دیگر، دانشگاه محل تحصیل تنها ۰/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

جدول ۸- آزمون تفاوت میانگین نگرش به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه محل تحصیل

اولویت‌های ارزشی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	معناداری Levene	η^2	T	سطح معناداری
شیراز	۲۵۳	۸۸/۲۵	۲۴/۰۹۹	۰/۴۴۶	۰/۰۰۲	۲/۳۵۶	۰/۰۱۹
علوم پزشکی	۱۰۷	۸۱/۷۷	۲۳/۳۴۰				

تحلیل چند متغیره

برای تحلیل چندمتغیره، روش رگرسیون چندمتغیره‌ی گام‌به‌گام به کار رفت. از میان متغیرهایی که وارد معادله شدند، سه متغیر در این معادله باقی ماندند که به ترتیب چنین است: ارزش‌های دینی، نگرش دوستان، و نگرش خانواده. در رگرسیون چندمتغیره‌ی گام‌به‌گام متغیرها تا جایی وارد معادله می‌شود که دیگر کمکی به پیش‌بینی نکند (آلیستر، هال، و کازوب^۳، ۲۰۰۲: ۱۸۶). هم‌چنان که در جدول ۹ دیده می‌شود این متغیرها در پایان توانسته‌اند ۶۸/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین کنند که مقدار بسیار بالایی است و نشان‌دهنده‌ی برآزش خوب مدل و متغیرهای انتخاب‌شده است. مقدارهای R^2 افزوده‌شده در هر گام نشان می‌دهد که با ورود هر یک از متغیرها در هر یک از گام‌های سه‌گانه‌ی این معادله، چه اندازه به R^2 افزوده شده است.

1. Independent-Sample T Test

2. Effect Size

3. Kerr, Alistair W., Hall, Howard K., and Kozub, Stephen A.

جدول ۹- تحلیل چندمتغیره‌ی گام‌به‌گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته

گام	متغیر وارد شده	R	R ²	R ² افزوده شده	خطای استاندارد
اول	ارزش‌های دینی	۰/۷۷۸	۰/۶۰۵	—	۱۵/۰۹۰
دوم	نگرش دوستان	۰/۸۱۶	۰/۶۶۵	۰/۰۶۱	۱۳/۹۰۵
سوم	نگرش خانواده	۰/۸۲۶	۰/۶۸۲	۰/۰۱۷	۱۳/۵۷۰

مقدارهای به‌دست‌آمده برای β که در جدول ۱۰ آمده‌است نشان می‌دهد که متغیر وارد شده در گام نخست (ارزش‌های دینی) با متغیر وابسته هم‌بسته‌گی معکوس و منفی داشته‌است و هم‌بسته‌گی متغیرهای گام دوم و سوم (نگرش دوستان و نگرش خانواده) با متغیر وابسته مستقیم و مثبت بوده‌است. مقدارهای به‌دست‌آمده برای T و F نیز نشان می‌دهد که هم‌بسته‌گی متغیرها با اطمینان ۹۹ درصد معنادار است ($P < ۰/۰۱$).

جدول ۱۰- عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته

متغیر	نام متغیر	B	β	T	سطح معناداری
x_1	ارزش‌های دینی	-۱/۵۱۵	-۰/۵۴۸	-۱۳/۶۹۶	۰/۰۰۰
x_2	نگرش دوستان	۰/۹۱۴	۰/۲۶۰	۶/۸۳۴	۰/۰۰۰
x_3	نگرش خانواده	۰/۴۳۴	-۰/۱۵۸	۴/۲۲۲	۰/۰۰۰

$$\alpha = ۱۰۴/۱۶۵ \quad | \quad R = ۰/۸۲۶ \quad | \quad R^2 = ۰/۶۸۲ \quad | \quad R^2 \text{ Add.} = ۰/۰۶۷۹ \quad | \quad F = ۵۱۵/۲۴ \quad | \quad \text{Sig.} = ۰/۰۰۰$$

بدین سان، معادله‌ی رگرسیون چندمتغیره برای متغیرهای یادشده چنین خواهد بود:

$$y = ۴۸۱/۹۱ + (-۱/۵۱۵)x_1 + (۰/۹۱۴)x_2 + (۰/۴۳۴)x_3$$

اگر این سه متغیر را سه زمینه و عامل فرهنگی در فرآیند جامعه‌پذیری افراد بشماریم، می‌توان گفت که نهادهای دینی تأثیرگذارترین عامل فرهنگی در جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به روابط میان دو جنس پیش از ازدواج است؛ چرا که این متغیر در میان همه‌ی متغیرها بالاترین میزان هم‌بسته‌گی را با متغیر وابسته دارد و به‌تنهایی توانسته‌است ۶۰/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. ارزش‌های دینی نظامی از معانی گروهی پذیرفته‌شده در یک جامعه است که در فرآیند جامعه‌پذیری درونی می‌شود. تأثیر این نظام معانی به اندازه‌ئی



است که حتا در تنهاترین محیط‌ها، جایی که هیچ نظارت فردی و اجتماعی هم نباشد، با فرد همراه است و به‌خوبی کار می‌کند. پس از ارزش‌های دینی، تأثیر نگرش دوستان از متغیرهای دیگر بیش‌تر است که این نشان‌دهنده‌ی اهمیت گروه دوستان و همالان در این سنین برای دختران است؛ به گونه‌ئی که تأثیر آن حتا از نگرش خانواده، که یکی دیگر از زمینه‌های جامعه‌پذیری است، فراتر می‌رود.

نتیجه‌گیری

دگرگونی‌های نگرشی و ارزشی درباره‌ی روابط پیش از ازدواج، یکی از گشانه ن و سازه‌های دگرگونی‌های گسترده‌ی فرهنگی در جامعه‌ی در حال گذار ما است. با توجه به دیدگاه‌های اینگله‌هارت چنین می‌نماید که عنصر بنیادی در همه‌ی این دگرگونی‌ها، افزایش امکان‌پذیری انسانی و نوع جامعه‌پذیری افراد در مراحل مختلف زنده‌گی باشد. یکی از زمینه‌هایی که در سال‌های گذشته دگرگونی‌های گسترده‌ئی به خود دیده‌است، روابط بین‌شخصی دو جنس در زمینه‌ی همسرگزینی و معاشرت دو جنس پیش از ازدواج است. در سال‌های گذشته این پدیده به گونه‌ئی نوپا و از درون روابط بین‌شخصی جوانان جامعه سر برآورده‌است. به گونه‌ئی که پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، نشان‌دهنده‌ی خواست و گرایش جوانان جامعه به داشتن چنین روابطی است. به نظر می‌رسد که زنان و دختران همراه با دگرگونی‌های ساختاری در وضع آموزش و کارشان، و با افزایش توانایی‌هایشان در گستره‌های خانواده‌گی و اجتماعی، هم‌چنین رشد اندیشه‌های فمینیستی، در پی دگرگون‌سازی نقش‌ها و هویت‌های سنتی خود برآمده‌اند. آن‌ها خواستار حقوق برابر در همه‌ی گستره‌های زنده‌گی و جهان اجتماعی شده‌اند و با پافشاری بر گزینش فردی در آزادی عمل بیش‌تری را برای گزینش همسر و شیوه‌های همسرگزینی خود جست‌وجو می‌کنند. از این رو، این پژوهش با دو هدف بررسی چه‌گونه‌گی نگرش دختران به روابط پیش از ازدواج و یافتن رابطه‌ی عوامل فرهنگی جامعه‌پذیری با نگرش آنان انجام شده‌است.

بررسی موشکافانه‌ی سویه‌های شناختی، احساسی، و گرایش به کنش، در نگرش دختران دانش‌جو نشان می‌دهد که سوگیری آنان به روابط پیش از ازدواج در سویه‌ی شناختی از دو سویه‌ی احساسی و گرایش به کنش مثبت‌تر بوده‌است. هم‌چنین، نگرش کلی پاسخ‌گویان نشان داده‌است که بیش از نیمی از دختران داخشی و دارای

نگرش و سوگیری میانه به این گونه معاشرت‌ها بوده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد که بیش‌تر دختران میان ارزش‌های مدرن که برانگیزاننده‌ی این گونه معاشرت‌ها است و ارزش‌های سنتی مخالف این گونه معاشرت‌ها، سرگردان‌اند. اگر چه دگرگونی‌ها به سوی مثبت شدن نگرش ه ارزش‌های مدرن پیش می‌رود؛ اما دختران هم‌چنان میان سنت و مدرنیته سرگردان‌اند.

بیش‌تر افراد نمونه (۸۹/۴ درصد) باورهای دینی بالایی داشته‌اند؛ در حالی که تنها اندکی از آنان پای‌بندی‌شان به ارزش‌های دینی (مربوط به معاشرت پیش از ازدواج) بالا بوده‌است. سرگردانی میان ارزش‌های سنتی دینی و ارزش‌های مدرن-سکولار در این یافته نیز نمایان است و نشان‌دهنده‌ی فروکاهش نشانه‌گان اخلاقی سنتی، فروپاشی نمادهای گروهی، و فرسایش حد و مرزهای اجتماعی در جامعه‌ی ما است. از دیدگاه اولویت‌های ارزشی، ۵۸/۴ درصد از دختران مادی‌گرا، ۳۶/۸ درصد التقاطی، و تنها ۴/۷ درصد فرامادی‌گرا بودند. درصد پایین دختران فرامادی‌گرا برآمده از فرآیند جامعه‌پذیری آنان در دوران ساخت شخصیت ن و دسترسی کمتر آنان به منابع مالی و اقتصادی در خانواده و جامعه است؛ به گونه‌ئی که آنان امنیت‌سازنده را در خود درونی نکرده‌اند.

یافته‌ها هم‌چنین نشان داد که هم‌بستگی اولویت‌های ارزشی، باورهای دینی، پای‌بندی به ارزش‌های دینی، نگرش دوستان، نگرش خانواده، تحصیلات پدر و مادر، و دانشگاه محل تحصیل، با نگرش دختران به روابط پیش از ازدواج معنادار بوده‌است. این در حالی است که برخلاف پژوهش *ساروخانی و رفعت‌جاء* (۱۳۸۳) که در آن تحصیلات بیش‌ترین تأثیر را بر بازتعریف هویتی زنان داشت، در این پژوهش هم‌بستگی مدت تحصیل در دانشگاه و هم‌چنین به‌کارگیری برخی ابزارهای رسانه‌ئی هم‌چون روزنامه‌ها و مجله‌ها با نگرش آنان معنادار نبود. از میان ابزارهای رسانه‌ئی و رسانه‌های گروهی، هم‌بستگی میزان کاربرد تلویزیون و رادیوهای ایرانی با نگرش معنادار و معکوس بود و در برابر، هم‌بستگی میزان به‌کارگیری رسانه‌هایی هم‌چون ماهواره، اینترنت، رادیوهای خارجی، فیلم، و رمان‌ها و داستان‌ها معنادار و مستقیم بود. هم‌چنین، تحلیل چندمتغیره نشان داد که متغیرهای پای‌بندی به ارزش‌های دینی، نگرش دوستان، و نگرش خانواده وارد معادله شدند و توانستند بر روی هم ۶۰/۵ درصد از متغیر وابسته را تبیین کنند که از این میان پای‌بندی به ارزش‌های دینی از همه مؤثرتر بوده‌است.



از یافته‌های این پژوهش می‌توان دریافت که فرآیند جامعه‌پذیری، گذشته از تأثیرگذاری متفاوت عوامل فرهنگی مؤثر در آن، نقشی به‌سزا در ساخت، بالنده‌گی، و حتی دگرگونی ارزش‌ها و نگرش‌های دختران دارد. یافته‌های این پژوهش که نشان داد زمینه‌ها یا عوامل فرهنگی که در فرآیند جامعه‌پذیری دست دارند برای دختران و پسران یک‌سان عمل نمی‌کنند با یافته‌های مطالعه طالبانی و حسن‌علی (۲۰۰۰) هم‌سو است. این یافته‌ها همراه با یافته‌های وود و دیگران^۱ (۲۰۰۲) نشان داد که منابع جامعه‌پذیری همراه با افزایش سن تغییر می‌کند؛ به گونه‌ئی که از تأثیر خانواده کاسته شده و نقش گروه همالان و رسانه‌ها افزایش می‌یابد. در این دوره‌ی سنی و این شرایط تحصیلی (در دانشگاهی دور از خانه)، نقش خانواده‌ها بسیار کم‌رنگ می‌شود و دوستان و گروه همالان فرد تأثیرگذارتر خواهند بود. هم‌چنین نهاد دین به سان یکی دیگر از زمینه‌های فرهنگی، با درونی کردن ارزش‌های اجتماعی، نقشی بنیادی در سوگیری‌های ارزشی دختران دارد و این نظام معانی و ارزشی درونی‌شده در دوره‌ئی که خانواده نقشی ضعیف دارد تأثیری به‌سزایی خواهد داشت. تأثیر رسانه‌های ملی و جهانی بر سوگیری و نگرش دختران ایرانی به روابط پیش از ازدواج یک‌سان نیست. رسانه‌های گروهی روزبه‌روز رهنجارها و ارزش‌های دینی تأکید می‌کنند و به گسترش آن‌ها می‌پردازند، اما رسانه‌های گروهی جهانی هم‌چون اینترنت، ماهواره، و فیلم‌های غربی، ارزش‌های مدرن و سکولار را گسترش می‌دهند که برانگیزاننده به داشتن چنین معاشرت‌هایی است. از آن‌جا که دختران دانش‌جو بیشتر رسانه‌هایی چون اینترنت و فیلم را به کار می‌گیرند، ناگزیر ارزش‌هایشان نیز به سوی ارزش‌های مدرن خواهد رفت. روی‌هم‌رفته، همه‌ی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دختران جوان در جامعه‌ی ایران دوچار سردرگمی میان ارزش‌های مدرن و سنتی هستند.

از آن‌جا که که روند بازآفرینی ارزش‌های نو در این گستره از روابط با هنجارشکنی و نادیده گرفتن هنجارها و ارزش‌های سنتی از سوی جوانان همراه است، به نظر می‌رسد که در آینده‌ئی نه چندان دور، ارزش‌های دینی و سنتی ویژه‌گی هنجارمندی خود را از دست خواهد داد؛ و از آن‌جا که هنجارشکنان خود در آفرینش هنجارهای نو و هم‌آهنگ با یک‌پارچه‌گی سازمان اجتماعی ناتوان اند، جامعه در این گستره از مناسبات اجتماعی دوچار گونه‌ئی خلأ هنجاری خواهد شد که توانایی آسیب‌رسانی به نهادهایی هم‌چون خانواده و ازدواج و به طور کلی ساختار اجتماعی را

دارد. پیدا است که در همه‌ی جوامع، به‌ویژه جوامع سنتی و مردسالار، در چنین وضعی زنان و دختران بیش‌ترین آسیب را می‌بینند. بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع برای زنان و برای نظام اجتماعی و نهادهایی هم‌چون خانواده و ازدواج، باید برای دور ماندن از آسیب‌های احتمالی که هم‌اکنون غرب درگیر آن است، با بهره‌گیری از همه‌ی توانایی‌ها و ظرفیت‌های رشته‌های گوناگون هم‌چون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، در کنار دانش‌مندان و اندیشه‌مندان دینی، برای شناخت موشکافانه‌ی این پدیده و مدیریت درست آن تلاش کرد.





منابع

- ۱- آزاد ارمکی، تقی، و غلامرضا غفاری. ۱۳۸۳. *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- ۲- آزاد ارمکی، تقی، و دیگران. ۱۳۷۹. «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده‌ی تهرانی». *مجله‌ی علوم اجتماعی* ۱۶: ۳-۲۹.
- ۳- احمدنیا، شیرین، و هوشنگ مهریار. ۱۳۸۳. *نگرش و ایده‌آل‌های نوجوانان تهران در زمینه‌ی همسرگزینی، فرزندآوری، و تنظیم خانواده*. مقاله‌ی ارائه‌شده در هم‌آیش جمعیت‌شناسی با تأکید بر جوانان، شیراز.
- ۴- احمدی، حبیب. ۱۳۸۲. *روان‌شناسی اجتماعی*. شیراز: نشر دانشگاه شیراز.
- ۵- اینگلهارت، رونالد. ۱۳۸۳. *تحول فرهنگی در جوامع پیش‌رفته‌ی صنعتی*. برگردان مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.
- ۶- جوکار، بهرام. ۱۳۸۳. مقایسه‌ی نگرش دانش‌جویان دانشکده‌های علوم انسانی و مهندسی دانشگاه شیراز به دوستی دختر و پسر. صص. ۲-۹۱ در *مجموعه مقالات سمینار سراسری بهداشت روانی دانش‌جویان*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۷- خالقی‌فر، مجید. ۱۳۸۱. «بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی جوانان تحصیل‌کرده‌ی ایرانی، عوامل مؤثر بر آن، و رابطه‌ی آن با برخی نشانه‌گان فرهنگی». *نامه‌ی پژوهش فرهنگی (دوره‌ی نو)* ۳(۲): ۱۵۸-۱۰۷.
- ۸- ساروخانی، باقر، و مریم رفعت‌جاه. ۱۳۸۳. «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی». *مجله‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران* ۵(۲): ۱۳۳-۱۶۰.
- ۹- طالبی، ابوتراب. ۱۳۸۰. عمل‌کرد دینی دانش‌جویان و نمادهای دین‌داری در میان دانش‌جویان دفتر. صص. ۷۷-۹۵ در *نامه‌ی پژوهش، جلد ۲۰-۲۱*. تهران: نشر فرهنگ و ارشاد.
- ۱۰- ظهرونند، راضیه. ۱۳۸۳. «رابطه‌ی ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از جنس». *پژوهش زنان* ۲(۲): ۱۱۷-۱۲۵.
- ۱۱- عبداللهیان، حمید. ۱۳۸۳. *ارزش سنت و بازتولید فرهنگی*. مقاله‌ی ارائه‌شده در هم‌آیش جمعیت‌شناسی با تأکید بر جوانان، شیراز.
- ۱۲- کریمی، یوسف. ۱۳۷۸. *روان‌شناسی اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم، و کاربردها*. تهران: نشر ارسباران.
- ۱۳- کیوی، ری‌موند، و لوک وان کامپن‌هود. ۱۳۸۲. *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. برگردان عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر توتیا.
- ۱۴- گیلنر، آنتونی. ۱۳۸۱. *جامعه‌شناسی*. برگردان منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- ۱۵- «نسل‌ها و نگرش‌های جنسیتی: سنجش آگاهی از تعارض در نگرش‌های جنسیتی». ۱۳۸۳. *پژوهش زنان* ۳(۳): ۵۷-۸۴.

- 16- Kerr, Alistair W., Howard K. Hall, and Stephen A. Kozub. 2002. *Doing Statistics with SPSS*. London, UK: Sage Publications Ltd.
- 17- Demaris, Alfred, and William MacDonald. 1993. "Premarital cohabitation and marital instability: A test of the unconventionality hypothesis." *Journal of Marriage and the Family* 55(2): 399-407.
- 18- Hall, David R. 1996. "Marriage as a pure relationship: Exploring the link between premarital cohabitation and divorce in Canada." *Journal of Comparative Family Studies* 27(1): 1-12.
- 19- Hervieu-Léger, Danièle. 2001. The two fold limit of secularization. pp. 112-126 IN *Peter Berger and the Study of Religion* edited by Linda Woodhead, Paul Heelas, and David Martin. New York, NY: Rutledge.
- 20- Hood, Ralph W., Bernard Spilka, Bruce Hunsberger, and Richard L. Gorsuch. 1996. *The Psychology of Religion: An Empirical Approach*. 2nd Ed. New York, NY: The Guilford Press.
- 21- Kahn, John R., and Kathryn A. London. 1991. "Premarital sex and the risk of divorce." *Journal of Marriage and the Family* 53(4): 845-855.
- 22- Inglehart, Ronald. 2000. "Globalization and postmodern values." *The Washington Quarterly* 23(1): 215-222.
- 23- Inglehart, Ronald, Miguel Basañez, Jaime Diez-Medrano, Loek Halman, and Ruud Luijkx. 2004. *Human Beliefs and Values: A Cross-Cultural Sourcebook Based on the 1999-2002 Value Surveys*. Buenos Aires, Argentina: Siglo Veintiuno Editores.
- 24- Inglehart, Ronald, and Pippa Norris. 2000. "The developmental theory of the gender gap: Women's and men's behavior in global perspective." *International Political Science Review* 21(4): 441-463.
- 25- Inglehart, Ronald, and Wayne E. Baker. 2000. "Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values." *American Sociological Review*, 65(1): 19-51.
- 26- Inglehart, Ronald, and Wayne E. Baker. 2001. "Modernization's challenge to traditional values: Who's afraid of Ronald McDonald?" *The Futurist* 35(2): 16-21.
- 27- Insko, Chester A. 1967. *Theories of Attitude Change*. New York, NY: Appleton-Century-Crofts.
- 28- Moghaddm, FathAli M. 1998. *Social Psychology: Exploring Universals across Cultures*. W. H. Freeman and Company.
- 29- Moore, Kristin Anderson, Anne K. Driscoll, and Laura Duberstein Lindberg. 1998. *A Statistical Portrait of Adolescent Sex, Contraception, and Childbearing*. Washington, DC: National Campaign to Prevent Teen Pregnancy.
- 30- Rostosky, Sharon Scales, Brian L. Wilcox, Margaret Laurie Comer Wright, and Brandy A. Randall. 2004. "The impact of religiosity on adolescent sexual behavior: A review of the evidence." *Journal of Adolescent Research* 19(6): 677-697.
- 31- Smock, Pamela. 2000. "Cohabitation in the United States: An appraisal of research themes, findings, and implications." *Annual Reviews Sociology* 26(1): 1-20.
- 32- Talbani, Aziz, and Parveen HasanAli. 2000. "Adolescent females between tradition and modernity: Gender role socialization in South Asian immigrant culture." *Journal of Adolescence* 23(5): 615-627.



- 33- Teachman, Jay. 2003. "Premarital sex, premarital cohabitation, and the risk of subsequent marital dissolution among women." *Journal of Marriage and Family* 65(2): 444-455.
- 34- Wood, Eileen, Charlene Y. Senn, Serge Desmarais, Laura Park, and Norine Verberg. 2002. "Sources of information about dating and their perceived influence on adolescents." *Journal of Adolescent Research* 17(4): 401-417.
- 35- Hayes, Bernadette C., Ian McAllister, and Donley T. Studlar. 2000. "Gender, postmaterialism, and feminism in comparative perspective." *International Political Science Review* 21(4): 425-439.

نویسندگان

دکتر مجید موحد،

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز
mmmajd@gmail.com

دانش‌آموخته‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه چندبگیر، پنجاب، هندوستان؛
گرایش‌های پژوهشی او در زمینه‌ی جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی جنسیت، و دگرگونی‌های فرهنگی
است. از نوشته‌های وی می‌توان «جهانی‌ن و سکولاریسم»، «اسلام و دموکراسی»، «مشارکت
سیاسی زنان»، «جهانی شدن و خانواده»، و «نگرش زنان به نابرابری‌های جنسیتی» را نام برد.

محمدتقی عباسی شوازی،

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز
mtabbasi@gmail.com

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز؛

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز؛
گرایش‌های پژوهشی او در زمینه‌ی دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی در ایران و جامعه‌شناسی دین
است.